

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۱ جون ۲۰۲۵

ژائو ژیکای:

وقت آن رسیده که مرز چین و هند را برای هندی ها روشن کنیم.

Photo: Pinterest



یادداشت دبیر: پس از نبرد هوایی هند و پاکستان، ارزیابی‌های جهانی درباره تأثیر این رویارویی کوتاه اما شدید بر جایگاه ستراتیژیک هند و وضعیت ژئوپلیتیک جهان آغاز شده است. رسانه‌های غربی مدت‌هاست که هند را به عنوان کشور مورد علاقه بلوک غرب و قدرتی نوظهور که ظرفیت رقابت با چین را دارد، به تصویر کشیده‌اند. هند نیز از این تصویر برای جلب حمایت اساسی از غرب و تسریع روند نوسازی ارتش و کشور خود بهره برده است. اما با آشکار شدن نتایج نبرد هوایی اخیر و افزایش فشار دولت ترمپ بر هند در زمینه‌هایی مانند تعرفه‌ها، هند ممکن است مجبور شود جایگاه بین‌المللی خود را بازنگری کند و روابط خود را با چین و آمریکا از نو تعریف کند. در همین راستا، شبکه خبری چین با پروفیسور برجسته روابط بین‌الملل، ژائو ژیکای، مصاحبه ای عمیق انجام داده و از او خواسته است تا روند آتی روابط چین و هند و آمریکا و هند، و همچنین تحولات احتمالی مسأله مرزی چین و هند را تحلیل کند.

شبکه خبری چین: به نظر شما، هند پس از نبرد هوایی با پاکستان، در آینده چه نقشی در ستراتیژی آمریکا ایفا خواهد کرد؟ روابط آمریکا و هند و چین و هند چگونه توسعه خواهد یافت؟

ژانو ژیکای: هند از زمان استقلال خود همیشه یک بازی ژئوپلیتیکی را انجام داده است. برای مدت طولانی، هند با اتحاد جماهیر شوروی و اکنون روسیه، روابط بسیار نزدیکی داشته است. دلایل زیادی برای این امر وجود دارد، از جمله این که بیش از نیمی از تجهیزات نظامی هند در حال حاضر از روسیه تأمین می‌شود. این امر باعث شده است که هند همیشه این سیاست ملی را حفظ کند: مهم نیست در جهان چه اتفاقی می‌افتد، هند باید روابط نزدیکی با روسیه داشته باشد.

دلیل دیگر این است که در طول دهه‌ها، بسیاری از کشورها، از جمله امریکا، به هند خیانت کرده‌اند، اما تنها اتحاد جماهیر شوروی و اکنون روسیه هرگز به هند خیانت نکرده‌اند. بنابراین، رابطه هند با روسیه بسیار مهم است و متزلزل نخواهد شد.

رابطه نزدیک هند با روسیه، ناگزیر بر روابط امریکا و هند تأثیر خواهد گذاشت. اما امریکائی‌ها فکر می‌کنند که اختلاف بین چین و هند فرصتی برای آنهاست، زیرا این دو کشور هزاران کیلومتر مرز مشترک دارند. در سال ۱۹۶۲، چین و هند وارد یک جنگ مرزی شدند که چین پیروز شد و هند شکست خورد. اما برای مدت طولانی، هند ادعا کرده است که در این درگیری «پیروز شده است»، به این دلیل که منطقه جنوب تبت را اشغال کرده و نام آن را به «ایالت آرونچال پرداش» تغییر داده و نظریه‌های مختلفی را برای این ادعا مطرح کرده است.

همین مسأله باعث شده است که امریکائی‌ها فکر کنند می‌توانند از این طریق به طور مداوم هند را جذب کرده، روابط خصمانه آن را با چین تشدید کنند و هند را به ارباب «ضد چین، متنفذ از چین، و دشمن چین» امریکا متصل کنند.

دیدگاه امریکا و تلاش برای کنترل هند

فکر امریکائی‌ها بسیار ساده است: با هند متحد شوید، و امریکا نیازهای هند را برآورده می‌کند؛ در عین حال، هند باید از روابط خود با روسیه دست بکشد، و تأمین تسلیحات آن توسط امریکا حل شود؛ هند باید با چین دشمنی کند، و امریکا می‌تواند به هند در انتقام از چین کمک کند؛ علاوه بر این، هند باید از اروپا فاصله بگیرد و بیش از حد به آن نزدیک نشود، و تجارت را با امریکا ادامه دهد. در مورد تمایل جاپان به سرمایه‌گذاری در هند، از آنجا که جاپان در مقایسه با کشورهای فوق از اهمیت کمتری برخوردار است، این موضوع تأثیر زیادی بر ستراتیژی امریکا ندارد، بنابراین چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

از دیدگاه امریکا، آنها به طور طبیعی فکر می‌کنند که می‌توانند هند را کنترل کنند، و به نظر می‌رسد در حال موفقیت هستند. به هر حال، در سال ۲۰۱۶، امریکا و هند «توافقنامه پشتیبانی متقابل لجستیکی (LEMOA)» را امضاء کردند که به هواپیماها و کشتی‌های جنگی امریکائی اجازه می‌دهد در پایگاه‌های تعیین شده هند فرود آمده، سوخت‌گیری و پهلو بگیرند. دو طرف همچنین در سال ۲۰۱۸ «توافقنامه ارتباطات، سازگاری و امنیت (COMCASA)» را امضاء کردند، که این توافقنامه به دنبال افزایش قابلیت همکاری سیستم‌های ارتباطی تاکتیکی بین ارتشهای امریکا و کشورهای امضاءکننده است و سیاست‌های مدیریت پیکربندی مرتبط را مشخص می‌کند. علاوه بر این، ارتش‌های هند و امریکا نیز در کوهستان هیمالیا تمرینات نظامی کوهستانی انجام می‌دهند. با توجه به این که امریکا قله‌هایی مانند هیمالیا ندارد و کوه‌های راکی نیز چندان بلند نیستند، اما امریکا قصد دارد تکنیک‌های کوهستانی را در مرز چین و هند بررسی کند، که هدف آن بسیار آشکار است. در صورت بروز یک وضعیت غیرمنتظره، امریکا می‌تواند از این طریق به همراه هند از جنوب غربی چین بر ما فشار بیاورد. این نشان می‌دهد که

امریکا هنوز ذهنیت «امپریالیسم هرگز دست از سر چین بر نمی‌دارد» را حفظ کرده است. آنها نه تنها به دنبال ایجاد زنجیره اول و دوم جزایر هستند، بلکه می‌خواهند از «بال» هند برای مقابله با چین استفاده کنند.

نیت ستراتیژیک امریکا و فریب هند

در واقع، امریکا سال‌هاست که به طور فعال با مغولستان، همسایه شمالی چین، تمرینات نظامی مشترک انجام می‌دهد و همچنین با سایر همسایگان ما نیز تمرینات نظامی را پیش می‌برد. از این اقدامات، ما به طور کامل از نیت ستراتیژیک امریکا آگاه شده‌ایم. امریکا فقط می‌خواهد هند را به عنوان یک اهرم برای محاصره و سرکوب چین تبدیل کند و در صورت لزوم، هند می‌تواند تمام توان خود را به کار گیرد و به امریکا در شکست چین کمک کند. پس شرایط و سوسه‌انگیز امریکا برای هند چیست؟ امریکائی‌ها قول داده‌اند که از عضویت دائم هند در شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت کنند و حتی پیشنهادهای مانند «بزرگترین دشمن شما چین است، با من همراه شوید، من به شما در انتقام گرفتن کمک می‌کنم» را مطرح کرده‌اند، که به نظر می‌رسد هندی‌ها را کاملاً فریب داده است. اما، برای این که امریکا بتواند هند را کنترل کند، یک پیش‌شرط وجود دارد، و آن این است که دولت و رهبران هند توانایی تفکر و قضاوت مستقل نداشته باشند.

هوش و استقلال هند

در واقع، هندی‌ها بسیار باهوش و پیچیده هستند و دارای هزاران سال سابقه فرهنگی و فلسفی هستند. برای هندی‌ها، اولویت اصلی حفظ بقا است، بنابراین اگر بخواهیم انتظار داشته باشیم که هند براحتی از دیپلماسی مستقل «عدم تعهد» خود دست بکشد و با کمال میل «مزدور» امریکا شود، به نظر من کمی خام‌اندیشی است.

ما در اینجا به عملکرد کلی قدرت نظامی و کیفیت سربازان هند نمی‌پردازیم، بلکه عمدتاً به تاریخ می‌پردازیم. هند در طول تاریخ اغلب در کنار بریتانیائی‌ها در سراسر جهان جنگیده است، و بسیاری از ارتش‌های بریتانیا شامل سربازان هندی، از جمله سربازان گورخا نیالی و غیره بوده‌اند.

در آن زمان در امتیازات شانگهای، همه جا می‌توانستید «هندی‌های کلاه قرمز» را ببینید، که همان سربازان هندی بودند که توسط مقامات استعماری بریتانیا برای انجام مأموریت‌ها اعزام شده بودند. اما آن هندی‌هایی که در سراسر جهان به دنبال امپراتوری بریتانیا بودند، در نهایت از جنگیدن در کنار بریتانیا، سود مادی چندانی نبردند، بلکه قربانیان زیادی دادند. اکنون، وقتی امریکا دوباره هند را برای مقابله با چین جذب می‌کند، هندی‌ها چه سودی خواهند برد؟ چرا باید دوباره توسط امریکائی‌ها بازیچه شوند؟

چشم‌انداز هند و مقاومت در برابر فریب امریکا

هندی‌ها می‌دانند که امریکا نیت‌های پنهانی در قبال هند دارد و همیشه می‌خواهد از جمعیت زیاد هند و موقعیت ژئوپلیتیکی آن در همسایگی چین برای مقابله با چین استفاده کند. اما در طول هزاران سال، هند بارها توسط قدرت‌های بزرگ خارجی به بردگی گرفته شده و تکه‌تکه شده است، من معتقدم که هندی‌ها بر اساس تاریخ خود، می‌توانند اوضاع را بسنجند و خواهند دید که حرف‌های امریکا چقدر واقعی و قابل اعتماد است و براحتی فریب نخواهند خورد. در واقع، امریکا دهه‌هاست که طرح‌های مختلفی را برای هند مطالعه کرده است، اما همیشه به نتیجه نرسیده است، و یکی از دلایل آن این است که هند نمی‌خواهد از روابط محکم و نزدیک خود با روسیه دست بکشد.

علاوه بر این، در مواجهه با قدرت روزافزون چین، هند نیز مضطرب است و برنامه‌های خاص خود را دارد و نمی‌خواهد به طور کامل با کشوری که چندین برابر بزرگتر از آن است، دشمنی کند. هندی‌ها از امریکا سؤال خواهند کرد: «شما می‌خواهید با چین مقابله کنید، چرا خودتان پیشگام نمی‌شوید؟ چرا باید من را به خط مقدم ضد چینی، متنفّر از چینی، و دشمن چینی هل بدهید؟ در صورت شکست، عواقب آن غیرقابل تصور خواهد بود.»

تأثیر تحولات اخیر بر روابط امریکا و هند و پیچیدگی‌های داخلی هند

علاوه بر این، برخی تحولات اخیر نیز به ضرر روابط امریکا و هند بوده است. امریکا پیش‌تر وعده داده بود که به دلیل وخامت روابط با چین، شرکت‌های خود را از چین به هند منتقل خواهد کرد و درهای بازار هند را به روی آن‌ها خواهد گشود. هندی‌ها طبیعتاً از این موضوع استقبال کردند، اما این انتقال همچنان با مشکلات زیادی مواجه است. اولاً، زیرساخت‌های هند هنوز ضعف‌های چشمگیری دارند: تأمین برق کافی نیست، حمل و نقل ریلی و جاده‌ای با مشکل مواجه است و ظرفیت بنادر محدود است. ثانیاً، نگرش و نظم کاری کارگران هندی به مراتب کمتر از چینی‌هاست. همچنین، دولت هند بزرگترین بوروکراسی جهان را دارد که بی‌کفایتی، فساد و رشوه در آن بیداد می‌کند. به محض ورود سرمایه‌گذاران خارجی به هند، ممکن است با سوءاستفاده‌های مالی و بوروکراتیک شدید دولت مواجه شوند.

در گذشته، چین نیز در برخی مناطق با چنین مشکلاتی برای سرمایه‌گذاران خارجی مواجه بود، اما عملکرد هند در این زمینه به مراتب بدتر از چین است. بسیاری از شرکت‌ها به محض شروع کار در آنجا، با چنان مشکلاتی روبه‌رو شدند که به قول معروف «کمرشان شکست»، و محیط کسب و کار در هند به هیچ وجه قابل ستایش نیست.

دشواری‌های روابط اقتصادی امریکا و هند و هوش ستراتیژیک هند

اخیراً رئیس‌جمهور ترمپ سخنی گفته که به معنای واقعی کلمه هند را «شوکه» کرده است: او دستور داد که تمام گوشی‌های آیفونی که قرار است در امریکا به فروش برسند، باید در امریکا تولید شوند و گوشی‌های آیفون تولید هند نباید به امریکا بازگردانده شوند. این اقدام به منزله یک ضربه سنگین به روابط هند و امریکا بود. به هر حال، هند در حال حاضر امید زیادی به سرمایه‌گذاری شرکت‌های فناوری پیشرفته و هوش مصنوعی مانند اپل برای توسعه بازار، آموزش کارگران و افزایش درآمد دارد.

البته، هندی‌ها اغلب در مورد این فناوری‌ها افکار پنهانی دارند: «حالا که شما فناوری خوب را آورده‌اید، چرا من باید برای شما کار کنم؟ نمی‌شود یکباره فناوری شما را مصادره کنیم و با تغییر نام آن را متعلق به خودمان اعلام کنیم؟» هندی‌ها هرگز مانند چینی‌ها تفکر بلندمدت ندارند و روابط امریکا و هند نیز پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. اما یک نکته همیشه در الزامات ستراتیژیک امریکا در قبال هند ثابت بوده است: اگر چین و امریکا وارد جنگ شوند، هند بتواند قاطعانه در کنار امریکا بایستد. و برای رسیدن به این هدف، امریکا حاضر است سال‌ها یا حتی دهه‌ها برای این موضوع «سرمایه‌گذاری» کند. همچنین، تجربه نشان داده است که به محض این که کشوری مورد توجه امریکا قرار می‌گیرد، مشکلات به دنبال آن خواهند آمد و امریکا براحتی دست نمی‌کشد و اغلب تا ده‌ها سال به طور مداوم به آن کشور توجه می‌کند.

پیشینه روابط امریکا با کشورهای مختلف و لزوم آمادگی چین

بحران کوبا بیش از شصت سال پیش رخ داد، اما تحریم‌های امریکا علیه کوبا هرگز کاهش نیافته است؛ به همین ترتیب، خصومت بین امریکا و ایران از سال ۱۹۷۹ آغاز شده و تاکنون بیش از چهل سال ادامه دارد؛ و از زمان آغاز جنگ کوریا در سال ۱۹۵۰، روابط خصمانه ده‌ها ساله امریکا با کوریا شمالی همچنان بدون تغییر باقی مانده است. اکنون، آنها در تلاشند تا از هند برای سرکوب چین استفاده کنند، و این جاه‌طلبی گرگ‌صفتانه، چین را وادار می‌کند تا هوشیار باشد و اقدامات متقابلی را برنامه‌ریزی کند.

تاریخچه اختلافات مرزی و پیشنهادهای چین برای حل و فصل

در طول هزاران سال، هیچ دشمنی مرگباری بین چین و هند وجود نداشته است؛ اختلافات سرزمینی نیز نه توسط چین و نه توسط هند ایجاد شده، بلکه نتیجه مرزبندی‌های مصنوعی دوره استعمار بریتانیا است. چرا باید چین و هند بار تاریخی بر جای مانده از دوره استعمار بریتانیا را به دوش بکشند؟ آیا نمی‌توانیم با خردی بزرگتر به دنبال راه حل باشیم؟

شبکه خبری چین: در پس‌زمینه تلاش‌های امریکا برای جذب هند، چین چگونه باید روابط خود را با هند مدیریت کند؟ به ویژه در مورد مسأله مرزی، چگونه می‌توان از اقدامات تحریک‌آمیز هند جلوگیری کرد؟

ژائو ژیکای: برای مدت طولانی، من همیشه به هندی‌ها گفته‌ام که در زمینه جنگ، بزرگترین دشمن شما در واقع چین نیست، بلکه رشته‌کوه هیمالیا است. عبور از هیمالیا با ارتفاع بیش از هشت هزار متر برای هر کسی بسیار دشوار است. حتی اگر ارتش شما با موفقیت از هیمالیا عبور کند، به سمت شمال که نگاه کنید، فلات وسیع تبت-چین با طول هزاران کیلومتر بیش روی شماست؛ آن وقت دیگر چه جنگی می‌توانید بکنید؟ بنابراین، هند نه باید به طور فعال جنگ را آغاز کند و نه باید توسط کشورهای دیگر به دره عمیق درگیری رانده شود. تنها راه ممکن بین چین و هند، صلح است. ما باید پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی هند و همچنین وضعیت دوگانگی آن در ابعاد روحی، ارزشی و منطق تصمیم‌گیری را کاملاً درک کنیم. تنها در این صورت می‌توانیم بدرستی عمل کنیم. من معتقدم که در تدوین سیاست در قبال هند، باید رویکردی متناسب با شرایط و انعطاف‌پذیر اتخاذ شود. چین در استراتژی خود در قبال هند باید حداقل سه آمادگی داشته باشد: در برخی زمینه‌ها با آن همکاری کند؛ در زمینه‌های دیگر به رقابت ضروری ادامه دهد؛ و اگر در برخی زمینه‌ها مورد تجاوز قرار گرفت، چین باید قاطعانه مقابله کند.

دشواری‌های درک هند و تأکید بر موضع چین در قبال مرزها

بنابراین، چین ابتداء باید مطالبات واقعی خود از هند را روشن کند و همچنین باید متوجه شود که امریکا و سایر کشورها از هند چه می‌خواهند و انگیزه‌های خود هند چیست. اگر تنها سرسختی نشان دهیم، مذاکره‌های مؤثر با هند دشوار خواهد بود. علاوه بر این، نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و اجازه دهیم امریکا از هند برای مهار چین استفاده کند.

در دنیای امروز، هیچ مشکلی مشکل برانگیزتر از مطالعه هند نیست، حتی دشواری مطالعه مسائل امریکا نیز قابل مقایسه با آن نیست. تاریخ امریکا تنها ۲۵۰ سال است و جمعیت آن بیشتر از مهاجران تشکیل شده است. امریکا به عنوان کشوری که بر برتری نژاد سفید تأکید می‌کند، در طول تاریخ سرخ‌پوستان را قتل‌عام کرده، سیاه‌پوستان را به بردگی گرفته، چینی‌ها و جاپانی‌ها را مورد تبعیض قرار داده و تمام «رنگین‌پوستان» را شهروند درجه دو می‌دانسته است.

چنین کشوری هم پیچیده است و هم ساده؛ ما می‌توانیم براحتی چند خط اصلی تاریخی آن را درک کنیم، مانند نژادپرستی، برتری نژاد سفید، قلدرمآبی و هژمونی جهانی و غیره. امروزه امریکا، همانطور که پروفیسور پاول کندی گفته است، در وضعیت «overreached» (افراط در گسترش) قرار دارد، و می‌توان آن را با یک کلمه خلاصه کرد. اما هند کاملاً متفاوت است: این کشور نیز پنج هزار سال سابقه تمدن دارد، اما برای مدت طولانی مورد تجاوز و ستم قدرت‌های خارجی قرار گرفته است. هند امروزی، در داخل شبیه به یک «سازمان ملل متحد» است و دارای نژادها، رنگ پوست، طبقات اجتماعی و سیستم‌های کاست کاملاً متفاوتی است. این تقسیم‌بندی و تنوع با ساختار یک پارچه چین بسیار متفاوت است.

چین یک کشور تمدنی واحد و یک پارچه است که پنج هزار سال سابقه تاریخی بی‌وقفه دارد. با وجود پنجاه و شش گروه قومی در داخل کشور، ترکیب قومی کلی و انسجام ملی بسیار قوی است؛ این با وضعیت هند که به دلیل سیستم کاست و فرهنگ‌های متنوع فاقد اجماع کلی است، کاملاً متفاوت است. به همین دلیل، چین باید بر حل کامل اختلافات چین و هند تمرکز کند تا پایه‌های محکمی برای هزاران سال صلح آینده بین دو کشور بنا نهد.

دیدگاه هند در مورد مرزها و موضع قاطع چین

البته، وقتی با هندی‌ها صحبت می‌کنید، اهداف پنهانی آنها کاملاً مشخص می‌شود: آنها معتقدند که منطقه جنوب تبت متعلق به هند است؛ و همچنین معتقدند که منطقه آکسای چین نیز متعلق به هند است. علاوه بر این، هندی‌ها معتقدند که اقدامات چین در کشورهای بوتان، نپال و غیره منافع سنتی هند را نقض کرده است و حتی کل آسیای جنوبی را حوزه نفوذ خود می‌دانند.

من معتقدم که محققان داخلی و بخش‌های مربوطه باید مستقیماً برای هند روشن کنند: «خط مرزی» که هند آن را معتبر می‌داند، خطی است که استعمارگران بریتانیایی با یک قلم و کاغذ به طور خودسرانه ترسیم کرده‌اند، و طرف چینی هرگز آن را به رسمیت نشناخته است. هر کس که این خط را ایجاد کرده، باید از او حسابرسی کرد. «خط مک‌ماهون» در واقع توسط مقامات بریتانیایی در آن زمان ترسیم شده است. اگر شما فکر می‌کنید این خط معنی دارد، ما هم می‌توانیم خطی بکشیم و کل حوزه گنگ را به عنوان قلمرو به شخصی دیگر اختصاص دهیم، آیا شما موافقت خواهید کرد؟ بنابراین، ما باید به هند هشدار دهیم: مرزبندی‌های نامعتبر به جا مانده از استعمارگران بریتانیایی را جدی نگیرید.

حتی من فکر می‌کنم، چینی‌ها باید یک جمله را روشن کنند: «ما هیچ مرز غیرقانونی را که به طور یکجانبه توسط دولت هند بریتانیایی در آن زمان ترسیم شده، به رسمیت نمی‌شناسیم.» اکنون زمان گفتن این جمله فرا رسیده است.

مرزهای استعماری: دامی برای روابط چین و هند

در غیر این صورت، چین و هند همچنان به دلیل مرزهای خودسرانه‌ای که توسط بریتانیا تعیین شده‌اند، با یک دیگر درگیر خواهند شد و انرژی‌شان را هدر خواهند داد، که نتیجه آن گرفتار شدن در دام استعمارگران بریتانیایی خواهد بود. بنابراین، ما باید این نکته را برای هندی‌ها روشن کنیم: حرف‌های بریتانیایی‌ها را جدی نگیرید. به هر حال، بریتانیایی‌ها در دوران حکومت خود بر هند، هندی‌ها را شهروند درجه دوم می‌دانستند، آیا اکنون می‌خواهید دوباره شهروند درجه دوم باشید؟ آیا مایلید؟

دولت هند بریتانیایی در آن زمان کارهای غیراخلاقی و غیرقانونی زیادی انجام داد، آیا می‌خواهید آنها را حقیقت بدانید؟ این امکان‌پذیر نیست. اگر هند بخواهد مرز چین و هند را بر اساس خطوطی که بریتانیایی‌ها با یک تکه کاغذ و یک قلم خودسرانه ترسیم کرده‌اند بنا کند، این کار مطلقاً قابل قبول نیست. با در نظر گرفتن این پیش‌فرض، می‌توانیم به این فکر کنیم که آیا چین و هند از خرد کافی برای رهائی از این مسائل تاریخی برخوردارند یا خیر.

مقایسه مسیر توسعه چین و هند و نابرابری‌های امروز

به عنوان یک چینی، من بسیار خوش‌شانسم. در سال ۱۹۷۸، اندازه اقتصاد چین و هند تقریباً برابر بود، و حتی برای یک یا دو سال، اقتصاد هند بزرگتر از چین بود. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، هند نیز بتازگی از سلطه استعماری بریتانیا رها شده بود.

هند در زمان استقلال، سیستم ریلی کامل، نظام اداری و ساختمان‌های دولتی عظیمی را از بریتانیا به ارث برد. در آن زمان، هند در بسیاری از زمینه‌های صنعتی‌سازی از چین پیشی گرفته بود، اما اکنون حجم اقتصاد چین تقریباً پنج برابر هند است.

چین در بسیاری از زمینه‌های مهم مانند تولید برق، فولادسازی، خودروسازی، کشتی‌سازی و هوافضا، بسیار جلوتر است. اگرچه کشورهای غربی هنگام مقایسه‌های بین‌المللی، اغلب چین و هند را با هم مقایسه می‌کنند، اما تا سال ۲۰۲۵، این دو کشور کاملاً متفاوت خواهند بود: یکی چین است که بسیار صنعتی شده و مدرن گشته؛ دیگری هند است که هنوز عقب‌مانده و گرفتار مشکلات توسعه است.

پیشنهادی برای بازتعریف روابط چین و هند و حل و فصل مسأله مرزی

بنابراین، من معتقدم که چین در مذاکره با هند امروزی، از یک سو باید بر حاکمیت برابر و احترام متقابل بین دو کشور اصرار ورزد؛ اما از سوی دیگر، باید روشن کند: مسأله سرزمینی چین و هند نه توسط چین ایجاد شده است، بلکه چین قربانی آن است؛ و نه توسط هند ایجاد شده، بلکه توسط بریتانیا ایجاد شده است، زیرا در آن زمان هنوز هندی وجود نداشت. اگر می‌خواهید حسابرسی کنید، به سراغ بریتانیایی‌ها بروید، ما می‌توانیم با هم به حساب بریتانیایی‌ها رسیدگی کنیم، و سپس می‌توانیم مشترکاً میراث کثیف، غیرمنطقی و غیرقانونی را که بریتانیایی‌ها بر جای گذاشته‌اند، کنار بگذاریم و روابط بین چین و هند را از نو تنظیم کنیم.

در اینجا به یاد منطقه جنوب تبت خودمان می‌افتم، هر بار که از منطقه جنوب تبت نام می‌بریم، قلبمان به درد می‌آید. آداب و رسوم آنجا ذاتاً با تبت یکی بوده است، مردم بومی آنجا همگی بودائی تبتی هستند، و آن همه معابد و راهبان بودائی تبتی در آن منطقه وجود دارد، که آنجا اصالتاً متعلق به تبت بوده است. اما اگر با بریتانیایی‌ها بحث کنید، ممکن است بگویند تبت متعلق به چین نیست، اما در واقع تبت بیش از هشتصد سال پیش بخشی از چین شده است. در طول تاریخ، بریتانیا با روش‌های مختلف زمین و ثروت را فریبکارانه به دست آورد و خط مک‌ماهون را به طور خصوصی و غیرقانونی ترسیم کرد. این اقدامات چه ارتباطی با مسأله چین و هند دارد؟ چین هرگز آن را به رسمیت نخواهد شناخت و هند نیز نباید به رسمیت بشناسد. پیشنهاد من این است که روابط چین و هند به مرحله جدیدی رسیده است، و از امروز باید با صداقت کامل این مسائل را به طور کامل روی میز گذاشت و باید خط مک‌ماهون را کنار گذاشت و یک خط شفاف جدید ترسیم کرد.

شما باید ریشه‌های بومیان منطقه جنوب تبت، منشأ فرهنگ محلی و ریشه‌های تاریخی آن را بررسی کنید و سپس قضاوت کنید که آیا خطی که بریتانیایی‌ها در آن زمان ترسیم کرده‌اند، منطقی است یا خیر.

مرزهای استعماری: ارثیه بحث‌برانگیز

برای حل مسائل بین چین و هند، باید بی‌عدالتی‌های بر جای مانده از تاریخ را به رسمیت بشناسیم. بریتانیا در آن زمان هندی‌ها را شهروند درجه دوم می‌دانست؛ در عین حال، به طور خودسرانه خط مک‌ماهون را ترسیم کرد. ترسیم این خط بدون مشارکت دولت چین صورت گرفت و هرگز مورد قبول ما قرار نگرفته است. چرا امروز هند باید مانند بریتانیایی‌ها، خط مک‌ماهون را «مقدس» بداند؟

اگر هندی‌ها حاضراند دوباره شهروند درجه دوم شوند، ما آماده‌ایم در مورد دیدگاه خود درباره خط مک‌ماهون با آنها مذاکره کنیم. از یک سو، هند استعمار بریتانیا را محکوم می‌کند، و از سوی دیگر، بقایای استعمار را «مقدس» می‌داند؛ این نه واقع‌بینانه است و نه قابل قبول.

فرصت‌های چین در برابر پیچیدگی‌های ستراتیژیک هند

اما عملکرد هند در چندین مسأله ستراتیژیک کلیدی، که با سرعت بالا، تکرار و عدم قطعیت همراه است، فرصت‌های بی‌نظیری را برای چین به ارمغان آورده است. چین و هند همسایه هستند، و این یک واقعیت غیرقابل تغییر است. در حال حاضر، قدرت جامع چین تقریباً پنج برابر هند است، و ما باید به این مزیت اهمیت دهیم. اکنون، روسیه برنامه‌های خاص خود را برای هند دارد؛ امریکا نیز برنامه‌های خاص خود را؛ و کشورهای اروپایی و جاپان نیز هر کدام برنامه‌ها و ملاحظات منافع خود را در مورد هند دارند. چین باید درک کند: در بلندمدت، ما نباید ساختار روابط چین و هند را تنها به هند کنونی محدود کنیم، باید آگاه باشیم که هند چهار تا پنج هزار سال تاریخ دارد، اما در طول سلسله‌های مختلف بیشتر توسط دشمنان قدرتمند تقسیم، اشغال و تجزیه شده است. بنابراین، چین در تعامل با هند، باید هم بر برابری تأکید کند و هم از جسارت و خرد کافی برای حل مسائل تاریخی برخوردار باشد.

نقش هند در جهان و ضرورت نگاه بلندمدت به روابط چین و هند

ما باید به روابط هند با روسیه، امریکا، جاپان، اروپا و سایر کشورها و مناطق، و همچنین به قدرت نرمی که در سطح جهانی از خود نشان می‌دهد، اهمیت دهیم. در واقع، اگر به آفریقا بروید، خواهید دید که سراسر پر از هندی‌هاست؛ در شهرهای خاورمیانه، همه جا می‌توانید هندی‌ها را ببینید؛ اکنون به کانادا بروید، باز هم همه جا هندی‌ها هستند؛ در فیجی، بیش از نیمی از جمعیت این کشور جزیره‌ای هندی هستند؛ و در منطقه کارائیب نیز، بسیاری از کشورها پر از هندی‌ها هستند. همچنین، افراد هندی‌تبار که در کشورهای مختلف در مناصب مهمی مانند رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، دانشمند و غیره خدمت می‌کنند، بی‌شمار اند.

جمعیت هند هنوز در مرحله رشد قوی قرار دارد، در حالی که جمعیت چین شروع به کاهش کرده و سالخوردگی در حال تسریع است. بنابراین، من معتقدم که در بحث درباره روابط چین و هند، باید نگاهی بلندمدت‌تر داشت: باید به روابط چین و هند در پنجاه سال آینده، صد سال آینده، و حتی پانصد سال آینده فکر کرد.

مسأله چین و هند نباید بیشتر از این به تعویق بیفتد. هر چه بیشتر طول بکشد، مشکلات بالقوه بزرگتر خواهد شد. چین باید در حالی که همچنان در حال توسعه سریع است و در تمامی زمینه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی بر هند برتری آشکار دارد، با خرد، دوراندیشی و شجاعت، همراه با هند، این مسأله را یک بار برای همیشه حل کند.

تفسیر اشتباه هند از واقعیت‌ها: درس‌هایی از نبرد هوایی هند و پاکستان

شبکه خبری چین: شما به درک هند از منظر تمدنی اشاره کردید، اما ما همچنین می‌بینیم که همین اعتماد به نفس کاذب در مورد فرهنگ خودشان باعث شده است که هند در درک واقعیت دچار اشتباه شود، و این امر قضاوت آنها را در مورد روابط چین و هند نیز مختل می‌کند. چگونه باید با چنین وضعیتی برخورد کرد؟

ژائو ژیکای: به عنوان مثال نبرد هوایی هند و پاکستان را در نظر بگیرید؛ من فکر می‌کنم نبرد هوایی هند و پاکستان احتمالاً بزرگترین نبرد هوایی در تاریخ معاصر بشر بوده است. طرف هندی در ابتداء بسیار مطمئن بود و فکر می‌کرد که در موقعیت برتری مطلق قرار دارد و ده‌ها جنگنده پیشرفته از جمله میراژ و رافال ساخت فرانسه و انواع جنگنده‌های روسی را به میدان آورد. نتیجه نهایی را تمام دنیا می‌دانند، پاکستان پیروز شد و هند شکست خورد. به یاد می‌آورم که در مصاحبه‌ای با یک شبکه تلویزیونی هندی، صحنه بسیار غیرمنتظره‌ای رخ داد: مجری هندی در طول ضبط به من گفت «ما هندی‌ها پیروز شدیم، نه تنها پاکستان را شکست دادیم، بلکه شما چین را نیز شکست دادیم.» من پرسیدم منظور شما چیست؟ مجری گفت، تمام هواپیماها و راکت‌های پدافند هوایی ساخت چین در آن نبرد توسط هند به تلی از زباله تبدیل شدند.

من هرگز فکر نمی‌کردم که یک مجری تلویزیون اصلی یک کشور بتواند اینگونه بی‌پروا و کاملاً غیرمسئولانه صحبت کند، گوئی در دنیای موازی زندگی می‌کند، و ژئوپلیتیک معاصر را مانند یک فلم بالیوودی به نمایش بگذارد، این مطلقاً غیرممکن است.

پیروزی پاکستان و پیشرفت صنایع دفاعی چین

بازگردیم به نبرد هوایی اخیر، نیروهای مسلح پاکستان، به ویژه نیروی هوایی و پرسنل فرماندهی و هماهنگی مربوطه، دستاورد بزرگی داشتند. آنها بلافاصله پس از شلیک راکت‌های زمین به هوای هند، ضدحمله را آغاز کردند، از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود دفاع کردند، چندین جنگنده پیشرفته هندی را سرنگون کردند و حتی یک هواپیمای خود را نیز از دست ندادند. این پیروزی به طور کامل نتایج دوستی چین و پاکستان و همچنین تفاوت بین هند و پاکستان را نشان داد.

چین و پاکستان نه تنها جنگنده «جی‌اف-۱۷ تاندر» را مشترکاً توسعه و تولید کرده‌اند، بلکه تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای از جمله توپخانه، تانک و سیستم‌های فرماندهی و کنترل هوایی را نیز ارائه کرده‌اند که یک سیستم رزمی یک پارچه را تشکیل داده است. در حالی که سلاح‌های هند عمدتاً وابسته به واردات از کشورهای مختلف است، و این که آیا آنها پس از بازگشت به کشور با یک دیگر سازگار خواهند بود یا خیر، یک مشکل بزرگ است. بنابراین، جنگنده‌های آن تنها می‌توانند با عملیات خلبان توسط رادار یا شناسایی بصری هدف، پرواز و مبارزه کنند. در میدان نبرد که به سرعت تغییر می‌کند، این شکاف فناوری اغلب یک نقطه عطفی حیاتی بین مرگ و زندگی است.

در این نبرد هوایی، روش عملیاتی طرف پاکستانی، در واقع بازتاب تفکر توسعه‌ی چندین ساله نیروی هوایی چین بود، که همان «شبکه رزمی یک پارچه هوایی-زمینی-بحری-فضا-سایبر، پنج‌گانه» است که من اغلب از آن صحبت می‌کنم.

آنها همچنین سال‌هاست که بر جمع‌آوری اطلاعات شناسایی از هند پافشاری کرده‌اند، و ایستگاه‌های زمینی در سراسر کشور دارند که به طور مداوم اطلاعات مختلف را جمع‌آوری می‌کنند و برای جنگ آماده می‌شوند. در طول نبرد، آنها از طریق هشدار ماهواره‌ای، هواپیماهای هشداردهنده زود هنگام و سایر روش‌ها هماهنگی را انجام دادند، به طوری که هر هواپیما هم یک واحد رزمی مستقل و هم بخشی از کل شبکه رزمی یک پارچه هوایی-زمینی-بحری-فضا-سایبر بود. اما باید گفت، هواپیماهای ما واقعاً عالی هستند، حتی پیشرفته‌ترین جنگنده‌های اروپایی را نیز شکست دادند. و در نبرد هوایی، زمانی که جنگنده‌های هندی باقی‌مانده از خبر تلخ سرنگونی هم‌تیمی‌هایشان باخبر شدند، همگی پا به فرار گذاشتند و با عجله بازگشتند، از ترس این که هدف بعدی سرنگونی باشند. این صحنه تأییدی بزرگ بر زحمات چندین ساله پیشکسوتان و دست‌اندرکاران صنعت هوانوردی چین بود. پیروزی پاکستان در نبرد هوایی بر هند، نه تنها پیروزی پاکستان بود، بلکه پیروزی دوستی چین و پاکستان نیز بود، و باعث شد که جهان به چین با دید دیگری نگاه کند.

من معتقدم که نتیجه این نبرد هوایی هند و پاکستان، نه تنها موقعیت استراتژیک هند را در شبه‌قاره جنوب آسیا تغییر خواهد داد. بلکه بر روابط چین و هند و وضعیت تنگه تایوان نیز تأثیر خواهد گذاشت و امریکا را وادار خواهد کرد تا ارزیابی عینی‌تری از توان نظامی، دفاعی و قدرت جامع چین داشته باشد. به یک معنا، نتیجه این نبرد هوایی نقطه عطفی در ظهور چین بود.